

احمد پور احمد*

مجتبی ولی بیگی درویشوند**

چکیده

افزایش تبدلات و جریان‌های جهانی سبب گردیده است که جهان، در عین پراکندگی‌اش، در یک نقطه جمع شود و این امر، به نوبه خود، موجب بی‌ثباتی در مقیاس و حیطه عمل شده است. تحلیل شبکه اجتماعی می‌تواند راه حل واسطی برای مفهوم‌سازی شهر - با تأکیدی بر ناحیه شهری - به‌علاوه مفهوم‌سازی آن در فضایی از جریان‌ها باشد و در نتیجه الگویی برای ترسیم خوشه‌های ناحیه‌ای است. در این میان شهرهای درون شبکه و ارتباطات میان آنها سیاه‌چاله‌ها و چاله‌های ساختاری را به‌وجود می‌آورد. این مقاله با بیان چگونگی شکل‌گیری سلسله‌مراتب شهری در تحلیل شبکه، سعی در بررسی این چاله‌های ساختاری و سیاه‌چاله‌های شهری در تحلیل شبکه با نگاهی به خاورمیانه دارد.

کلیده واژه‌ها: تحلیل شبکه اجتماعی، شهر - سیستم، چاله‌های ساختاری شهری، سیاه‌چاله‌های شهری، خاورمیانه

* استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، صص ۸۰ - ۶۵.

مقدمه

افزایش تبادلات و جریانات جهانی و فناوری هم‌زمان ارتباطات سبب گردیده است که جهان را در عین پراکندگی آن، در یک نقطه جمع کند و به مفهوم فضای واحد تحقق بخشد؛^۱ نوعی فرایند هم‌گرایی^۲ که با درهم فشردگی زمان به تشکیل دهکده جهانی می‌انجامد.^۳ روندهای جهانی چالش‌هایی را در مقیاس، حیطة عمل و حالت استثنایی در تاریخ جهان به وجود آورده است؛^۴ آنچه سبب شده در حوزه مطالعات شهری مولفانی همانند کاستلز، اسمیت و کولهاس مطالعات خود را به ماهیت ساختاری شهر و باز فشردگی از مدلول جغرافیایی منحصر کنند. به عبارتی، اگر مکان را فضایی هویت‌ساز، نسبی و تاریخی تعریف کنیم، در این حال فضایی که نتوان آن را نه به مثابه منشا هویت، نه در نوعی نسبیت و نه رابطه‌ای تاریخی تعریف کرد، یک فضای نامکان خواهد بود.^۵ در نتیجه، شهر به‌عنوان فضایی از جریانات متشکل از مبادلات اطلاعات، سرمایه و قدرت شناخته می‌شود که به فرایندهای پایه‌ای جوامع، اقتصادها و دولت‌ها در بین محل‌های گوناگون و بدون توجه به محلیت آنها ساختار می‌دهد^۶ و اینکه شهر در چه مکانی قرار گرفته، مفهوم خود را از دست می‌دهد و سبب می‌گردد که شهرگرایی جدید به‌خاطر مسایل مربوط به واحد تحلیل مبهم شود؛^۷ زیرا برهم خوردن تعامل فضا و زمان را برجسته می‌نماید.^۸ در این میان تحلیل شبکه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان راهکاری در نظر گرفته شود که به مفهوم‌سازی شهر، با تأکیدی بر ناحیه شهری به‌علاوه مفهوم‌سازی آن در فضایی از جریانات بپردازد.^۹

تحلیل شبکه اجتماعی

تحلیل شبکه اجتماعی را می‌توان یک راهبرد برای بررسی ساختارهای اجتماعی دانست که بیشتر به تئوری‌های معاصر درباره اقتصاد بازار آزاد، جغرافیا و شبکه‌های حمل و نقل مربوط می‌شود^{۱۰} و شامل مجموعه روش‌هایی است که می‌تواند برای تحلیل ارتباطات میان ماهیت‌هایی همچون مردم، حوزه‌ها و سازمان‌ها به کار برده شود. هدف تحلیل، کشف الگوهای ارتباطاتی است که هم از حالت‌های فردی (منحصر به فرد) و هم سازمانی (شبکه‌ای) اثر می‌پذیرند.^{۱۱} به عبارتی

رهیافت تحلیل شبکه، تشکیلات در جامعه را به‌عنوان سیستمی از موضوعات (همانند مردم، گروه‌ها، سازمان‌ها) مورد بررسی قرار می‌دهد که با تنوعی از ارتباطات به هم مرتبط می‌شوند^{۱۲} و اینکه چگونه بخش عمده‌ای از زندگی فردی به این امر که چطور افراد درون شبکه‌های وسیع‌تری از ارتباطات اجتماعی به هم مرتبط می‌شوند، بستگی دارد؛^{۱۳} مدل ساده‌سازی شده‌ای از تعاملات بشری^{۱۴} که در آن الگوهای همکاری درون بافت اجتماعی مشخص می‌شود.^{۱۵} در تحلیل شبکه، مرزبندی شبکه شهری جهانی به معنی تعیین حدود بین موجودیت‌های خودکفا و مستقل و به لحاظ درونی منسجم نیست،^{۱۶} بلکه به شهرها و فعالیت‌هایشان به‌عنوان (واحدهای وابسته به هم، به نسبت واحدهای مستقل و خودمختار نگریسته می‌شود^{۱۷} که عمق و استمرار روابط و پیوندها در طول زمان و مکان انواع مرزبندی و حدود را در سیستمی از شهرها مشخص ساخته است.^{۱۸}

چگونه شهر - سیستم‌ها و سلسله مراتب شهری شکل می‌گیرند؟

زمانی که یک رهیافت شبکه‌ای را برای شهرها بر می‌گزینیم، شهر را داخل یک موضوع قرار می‌دهیم و به سمت «سازمند شدن فضای جریانات در درون فضای واقعی زندگی» حرکت می‌کنیم تا مدل‌های شبکه، ساختار (اجتماع، اقتصاد، سیاست و مانند آن) را به‌عنوان الگوهای دیرپای روابط میان بازیگران ترسیم کنند.^{۱۹} به‌عبارتی آنچه تصورات «شیء مانند» از ناحیه‌های مختلف را موجه و قابل طرح می‌سازد، آن است که بسیاری از ناحیه‌ها در طول دوره‌های زمانی طولانی دو خصوصیت ویژه را از خود نشان می‌دهند: ۱. الگوهای پایدار وضعیت رابطه‌ای؛ و ۲. خصوصیات ساختاری ویژه (نوع اقتدار، ساختارهای طبقاتی و غیره).^{۲۰} وقتی جهانی شدن را در اصلی‌ترین معنا به صورت درهم فشردن جهان تعریف کنیم، باید بر این نکته تأکید داشته باشیم که جهانی بودن «جستجوی بنیادها»، جالب توجه‌ترین وجه آن است؛ به‌ویژه که این جست‌وجو در نقاط مختلف جهان و در میان جوامع مختلف در چارچوب اندیشه‌هایی مربوط به سنت، هویت، خانه، قومیت، محل، جماعت و غیره که به طور جهانی منتشر شده است، به پیش می‌رود.^{۲۱} همین امر سبب می‌شود که در تحلیل شبکه، بر الگوهای دیرپای روابط اجتماعی

و مرزبندی بر اساس این فرایندها تاکید شود. آن هنگام واحد تحلیل، ساختار ناشی از مجموعه‌ای از شبکه‌هایی می‌شود که آن شبکه‌ها را به طور مستمر در طول زمان داشته است و همچنین تجسم یک «سیستم شهری جهانی» یا سیستمی از شهرها را ممکن می‌سازد. در این صورت، اصطلاح شهر- سیستم به خاطر تاکید بر تراکم نیرومند شبکه‌های متعدد، میان مجموعه مشابهی از گره‌ها (شهرها) در سراسر زمان، اصطلاح جامع‌تری است.^{۲۲} ویژگی‌های عمده نظم سیاسی و اجتماعی، دولت، ایدئولوژی و جامعه؛ به‌ویژه از بعد پیدایش و قوام نهادهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی قدرت و در بستر بین‌المللی آن که به پیدایش آنها کمک بسیار کرده است، سبب شکل‌گیری آن می‌شود.^{۲۳} به‌طور مثال، ارتباط مذهب و سیاست یکی از نمونه‌های پایدار و مداوم در شکل‌دهی به منطقه خاورمیانه است. در واقع، یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده سیاست‌های داخلی و خارجی واحدهای سیاسی مذهب است. میان خاندان سعودی و علمای وهابی پیوند نزدیک وجود دارد، به‌گونه‌ای که علمای وهابی ایدئولوگ‌های آل سعود به‌شمار می‌روند. این وضع کما بیش در دیگر کشورهای حوزه خاورمیانه نیز دیده می‌شود، تا آنجا که گفتمان‌های سیاسی و مبانی قدرت و مشروعیت سیاسی در کشورهای خاورمیانه بیشتر حول مذهب شکل می‌گیرد.^{۲۴}

به‌عبارتی، آنچه سبب می‌شود خاورمیانه را شهر- سیستمی در یک سیستم شهری جهانی بدانیم، می‌توان سه گونه و به این شرح تجزیه و تحلیل کرد: ۱. نظم برون‌زا؛ ۲. نظم درون‌زا؛ و ۳. نظم ترکیبی.^{۲۵}

با توجه به سه ویژگی فوق‌الذکر، انسجام منطقه در خاورمیانه با عوامل زیر می‌تواند تشکیل شود:

۱. موقعیت جغرافیایی؛
۲. الگوی منظم ارتباطات و تعاملات؛
۳. ارتباط متقابل؛
۴. منطقی تلقی کردن بازیگران داخلی و خارجی؛
۵. غالب بودن کنش‌های درون سیستمی؛ و
۶. درجه‌ای از خود مختاری.^{۲۶}

به‌طور مثال هنگامی که استثنای با توجه به این مفهوم به خاورمیانه نگاه می‌کند،^{۲۷} این سوال را مطرح می‌نماید که آیا می‌توان خاورمیانه را یک ناحیه در تحلیل شبکه قلمداد کرد؟ آنگاه بیان می‌دارد که این امر نیازمند مرحله مضاعفی از قرارگیری شهر-سیستم به‌عنوان واحد تحلیل یا شبکه نیمه‌کامل، درون شبکه کامل است؛ که در مرکز و هسته آن سوال «خاورمیانه چیست؟» قرار دارد که سوالی اجتماعی است و ما را برای دیدن مشترکات همچنان متداخل، باز و مشروط، آزاد می‌گذارد.^{۲۸} حفظ حصارهای یکتا بودن در میان هم‌نواخت شدن و هم شکل شدن سراسری^{۲۹} که بنابر آن می‌توان خاورمیانه را به‌عنوان ناحیه‌ای قلمداد کرد که از سویی تولیدات، عقاید، مردم و فرهنگ مشترک جهان اسلام را به‌واسطه سازوکاری از تبادل، برخورد، عشق و تحصیل سهیم کرده است - که آنچنان هم بر پایه جغرافیایی نیست - و در عین حال به‌عنوان مجموعه شهرهایی است که مکان‌هایی را در طول زمان به طور مستمر برای تبادل با هم، تعامل و جنگ و درگیری در شبکه و ناحیه‌ای پایدار و کشمکش مداوم شکل داده است. این امر سبب می‌شود روابطی که میان کشورهای منطقه شکل می‌گیرد، سرشت واقع‌بینانه به‌خود بگیرد و از این‌رو هرگونه افزایش قدرت یک بازیگر، نگرانی دیگر دولت‌ها را برانگیزد.^{۳۰} آنجا که جریان‌های قوی همگونی منطقه‌ای در اشکال مختلفی استمرار می‌یابد؛ تجلی شهر-سیستم مخصوصی که شبکه‌های مترامی از مجموعه مشابهی از شهرها و موجودیت‌های سیاسی ناحیه‌ای را در سراسر زمان به هم پیوند داده است.^{۳۱} شبکه‌های مترامی از مجموعه مشابهی از شهرهایی در سراسر زمان که تعاملات و برخوردهای آنها در شبکه‌های پایدار سبب شکل‌گیری مفاهیم سیاه‌چاله‌های شهری و چاله‌های ساختاری در طول زمان در این ناحیه شده است که بررسی آنها فهم بهتری از روابط را در یک شبکه فراهم می‌کند.

سیاه‌چاله‌های شهری

این اصطلاح اولین بار توسط شورت^(۱) در سال ۲۰۰۴ پیشنهاد شد. وی معتقد بود گره‌های

1. Short

شهری فراوانی که ما به آنها باور داریم، به سبب اندازه، موقعیت یا باور مرسوم وجود دارند تا اینکه شهر جهانی باشند، اما در حقیقت هیچ‌یک در سیستم شبکه شهری جهانی وجود ندارند. آنها سیاه‌چاله‌هایی بر روی حوزه پیوسته جهانی هستند که به لحاظ اجتماعی - فرهنگی هیچ ارتباطی با جریان اصلی جامعه (جهانی) ندارند.^{۳۲} به عقیده کاستلز، فرایند گسترده و چندساحتی حذف اجتماعی به شکل‌گیری سیاه‌چاله‌های سرمایه‌داری اطلاعاتی منجر می‌شود که از ویژگی‌های اصلی منطق مکانی جامعه شبکه‌ای است؛ فرآیندی که به موجب آن برخی افراد و گروه‌ها به گونه‌ای منظم از دستیابی به سمت‌هایی محروم می‌شوند. شاید بتوان دلایل چندی را برای ورود به سیاه‌چاله‌ها بر شمرد: فقر، سقوط سیاسی و اقتصادی، محرومیت و پایداری.^{۳۳}

همچنین راه حل دیگر فهم این ایده در تحلیل شبکه اجتماعی، این است که آن را همانند محدوده حفاظت شده‌ای در واکنش به سه تهدید بنیادی بدانیم: ۱. واکنش علیه جهانی‌شدن که خودمختاری نهادها، سازمان‌ها و نظام‌های ارتباطی موجود در محل زندگی مردم را مضمحل می‌سازد؛ ۲. واکنش علیه شبکه‌بندی و انعطاف‌پذیری که مرزهای عضویت و شمول را تیره و تار می‌کند، روابط اجتماعی تولید را فردی می‌کند و موجب بی‌ثباتی ساختاری کار، مکان و زمان می‌شود؛ و ۳. واکنش علیه بحران خانواده پدرسالار که دامنگیر ریشه‌های تغییر شکل سازوکارهای ایجاد امنیت، اجتماعی شدن، جنسیت و درنهایت، نظام‌های شخصیتی شده است. این نقاط که در مقابل زندگی در شبکه‌های جهانی مقاومت می‌کنند، به مثابه واکنش‌هایی به روندهای اجتماعی رایج پدید می‌آیند که به‌خاطر منابع مستقل معنایی در برابر روندهای جهانی مقاومت می‌کنند و به سبب این مقاومت، در جریان جهانی نقش حاشیه‌ای بیشتری به‌خود می‌گیرند. به‌طور مثال، در این زمینه تهران - در خاورمیانه - نمونه بارزی است که از سویی به‌علت سیاست‌های درون‌گرا تعمداً در برقراری چنین ارتباطی مقاومت می‌کند، هم‌وارد فرایند جهانی‌شدن و تجارت آزاد نشده است و هم سعی در حفظ سنت‌ها و ارزش‌های درونی خود می‌کند و با توان سعی در حفظ یک‌پارچگی خود دارد و منابع معنایی مستقلی را دنبال می‌کند، و از سوی دیگر به‌خاطر همین سیاست‌ها و مقاومت‌ها، راهبرد مهار ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. طرح ایران به‌عنوان یک تهدید امنیتی منطقه‌ای و جهانی و ترغیب کشورها و سازمان‌های

مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای به پایان دادن و یا کاهش روابط اقتصادی خود با تهران، سعی در منزوی کردن ایران دارند و کانال‌های جایگزینی را برای انتقال منابع خود از داخل شبکه به شبکه شهری جهانی می‌جویند.

در کل، اینکه چرا شهرها وارد سیاه‌چاله‌ها می‌شوند و چرا و چگونه برخی سرزمین‌ها از امکانات مختلف برخوردار می‌شوند و برخی دیگر نه، به رویدادهای خاصی بستگی دارد که مسیرهای جریان حاشیه‌نشینی را تعیین می‌کنند؛ در این زمینه در نگاه به شهر-سیستم خاورمیانه شاید بتوان کل شهر-سیستم ناحیه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا را به‌عنوان یک سیاه‌چاله مطرح کرد.^{۳۴} رشد جمعیت، فشار تقاضا برای خدمات اجتماعی را افزایش می‌دهد. نگرانی‌های امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی، منابع دولتی را از مسیر توسعه منحرف می‌سازد، از سرمایه‌گذاری خارجی ممانعت می‌کند و مانع ورود جریان‌های بین‌المللی کالا و نیروی کار می‌گردد.^{۳۵} در این میان، جامعه خاورمیانه با طرح انتظارات جدیدی از سوی مردم روبه‌رو می‌شود و گسست بین خواسته‌های شهروندی و کارآمدی دولت صورت می‌گیرد. به‌عبارتی، هنگامی که کل شهر-سیستم خاورمیانه به‌عنوان یک سیاه‌چاله مطرح می‌شود می‌توان دلایل زیر را برای آن برشمرد:

خاورمیانه دارای سنت دولت‌های متمرکز است که تمایل به آزادسازی اقتصادی و بسته بودن حوزه سیاست و حکومت‌ها و نهادهای سیاسی (اقتدارگرایی سیاسی) دارد؛ به‌علاوه به‌همراه رقابت‌های ژئوپلیتیک، ناآرامی‌های داخلی چالش‌هایی را برای ورود به عرصه‌های جهانی شدن سبب شده است. به‌طور کلی، شاید ضعف پنج عامل شامل: ۱. عدم جذابیت اجتماعی؛ ۲. عدم جذابیت زیرساختی؛ ۳. عدم جذابیت اداری یا حکومتی؛ ۴. عدم جذابیت عوامل؛ و ۵. عدم جذابیت رقابتی، از علل اساسی در برشمردن خاورمیانه به‌عنوان یک سیاه‌چاله باشد.^{۳۶}

۱. **عدم جذابیت اجتماعی:** جذابیت اجتماعی به باز بودن جامعه در مقابل خارجی‌ها و سرمایه خارجی و گرایش و طرز تلقی عمومی نسبت به آنها مربوط می‌شود.

۲. **جذابیت زیرساختی:** جذابیت زیرساختی به معنای کیفیت و پوشش زیرساخت‌ها، حقوق و مالکیت معنوی و اداره آنها و ذخیره یا میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجود است. اکثر کشورهای منطقه متکی بر زیرساخت‌های فنی نظیر ارتباطات راه دور و الکتریسیته هستند.

این منطقه، اما، دارای کمترین میزان خصوصی‌سازی زیرساخت‌هاست و بیشتر زیرساخت‌ها تحت مالکیت، کنترل و استفاده دولت قرار دارند. اکثر کشورهای خاورمیانه، جنبه مدیریتی خدمات دولتی به بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران که یک بازدارنده کلیدی برای سرمایه‌گذاران خارجی است را نادیده می‌گیرند؛ حقوق و مالکیت معنوی و حاکمیت قانون نیز چندان بسط و توسعه نیافته است.

۳. جذابیت اداری یا حکومتی: جذابیت اداری به معنای توانایی عمومی نخبگان حاکم در رسیدن به وفاق در داخل و در محدوده حاکمیت قانون است. این بیشتر به‌عنوان یک شاخص ثبات بلندمدت در نظر گرفته می‌شود که مشکل کلیدی در شهر-سیستم خاورمیانه است. مشروعیت بسیاری از دولت‌ها به‌شدت زیر سوال قرار دارد. در خصوص جهت‌گیری‌ها، وفاق وجود ندارد و مساله جانشینی رهبری، یکی از عمیق‌ترین تهدیدها برای ثبات رژیم‌های منطقه است که سبب می‌شود آنچه اهمیت پیدا کند، تابعیت و وفاداری سیاسی باشد. در رابطه با جذابیت اداری و حکومتی، دو شاخص دیگر هم وجود دارد: فساد در دولت، و کیفیت کاغذبازی.

۴. جذابیت عوامل: جذابیت عوامل شامل در دسترس بودن و کیفیت منابع انسانی، منابع سرمایه‌ای و مواد خام است. این منطقه بیشتر از لحاظ کیفیت و حفظ منابع انسانی رنج می‌برد تا از فقدان در دسترس بودن آن.

۵. جذابیت رقابت‌پذیری: جذابیت رقابت‌پذیری به معنای اهمیت موقعیت یک کشور و قابلیت‌ها و توانایی‌های آن در بازی رقابتی جهانی است. همچنین این نوع جذابیت شامل ترتیبات خاص، مقررات و انگیزه‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف است. در میان کشورهای خاورمیانه فقط تعداد معدودی از آنها توانسته‌اند از طریق برنامه‌های بازسازی ساختار اقتصادی به‌طور مهمی قواعد و رویه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را آزاد و انگیزه‌های قوی را برای سرمایه‌گذاران بالقوه ایجاد کنند، در حالی که اکثر سرمایه‌گذاران به‌دنبال کسب موقعیت‌های انحصار رانت بوده‌اند و اغلب به بخش‌های نفت و گاز رفته‌اند.

بنابراین با توجه به جریان‌های ضعیفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی،^(۱) گذار دموگرافیک

1. FDI

کند، کیفیت پایین نهاده‌ها، باز بودن پایین در مقابل اقتصاد جهانی، عدم اتصال در حمل و نقل و ارتباطات زیربنایی کلیدی یا جریان‌های درون ناحیه‌ای در مقابل تجارت فرا ناحیه‌ای، فقدان شهرهای جهانی غیر از استانبول و دبی برای منشعب‌شدن شبکه‌هایش و عدم تحرک در میان ارتباطات وابسته یا فرا ناحیه‌ای، شهر- سیستم خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان به‌عنوان یک سیاه‌چاله مطرح نمود. بنابراین، این امر موضوع کلیدی در قرن ۲۱ در شهر- سیستم خاورمیانه است؛ یعنی ایجاد بدنه ساختاری شهری بهتر در میان توسعه اقتصادی و سیاسی.^{۳۷}

ایجاد شکاف و عدم هماهنگی با روند جهانی اطلاعات، سبب جریان حاشیه‌نشینی بازیگران کلیدی می‌شود و ساختار قدرت منطقه‌ای را تحت تاثیر قرار می‌دهد. واکنش و مقاومت بازیگران کلیدی در برابر فرایندهای جهانی به صورت واکنشی به روندهای اجتماعی جاری (که دامنگیر ریشه‌های تغییر شکل سازوکارهای ایجاد امنیت، اجتماعی شدن، تمرکزگرایی شده است) سبب کاهش میزان جذابیت بازیگران قدیمی به‌عنوان گره‌هایی برای انتقال جریان اطلاعات و منابع می‌شود. در این میان، در تحلیل شبکه قدرت در تقابل شهرهای درون ارتباطات به نسبت شهرت، ابزار یا مقدمات تعریف می‌شود که به سبب مقاومت، ملزومات جدید و ارزش‌های اجتماعی جدید و ... آشکار می‌گردد. این امر سبب شکل‌گیری بازیگران جدید و واسطی در شهر- سیستم می‌شود. سیاه‌چاله‌های شهری در عصر اطلاعات، به‌خاطر شکاف موجود با روندهای حاکم اجتماعی در جهانی‌شدن در خاورمیانه در شکل‌گیری چاله‌های ساختاری موثر می‌افتند و بازیگران جدیدی در ساختار قدرت شهر- سیستم خاورمیانه مطرح می‌شود. در ادامه به بررسی این چاله‌های ساختاری می‌پردازیم.

چاله‌های ساختاری شهری

چاله‌های ساختاری شامل محل گسیختگی‌ها و شکاف‌ها بین ارتباطات مورد نیاز است. در یک ساختار آنچه گره‌ها و شبکه‌های فرعی را به هم مرتبط می‌کند، وابستگی‌های ارتباطی است. آنها گره‌هایی به هم پیوسته در شبکه‌ها هستند که همچون کانال‌هایی برای انتقال یا جریان منابع (مادی و غیر مادی) عمل کنند.^{۳۸} در این میان چون چاله‌های ساختاری به‌معنای جدایی

بین ارتباطات مورد نیاز است، در نتیجه هنگامی که محل گسیختگی یا شکافی توسط شهری مرتبط می‌شود، سبب می‌گردد ارزش‌هایی به شهرها و شبکه‌ها اضافه شود و شهر و شهرهایی که نقش واسط را در کل این شکاف‌ها داشته‌اند سرمایه اجتماعی را بدست آورند. به همین دلیل، چاله‌های بین ارتباطات مورد نیاز فرصت‌هایی را برای بازیگر واسط هم از لحاظ بهره‌های اطلاعاتی و هم بهره‌های کنترل به‌وجود می‌آورد.^{۳۹} در این میان، شهرهای زیادی مزیت‌های بسیاری را بر شهرهای همسایگان به‌دلیل همین اتصالاتشان به‌وجود می‌آورند؛ زیرا به‌عنوان دریچه‌ای عمل می‌کنند که اطلاعات از طریق آن به شهر- سیستم دیگر و یا در داخل یک شهر- سیستم جریان می‌یابد.^{۴۰} در عصر اطلاعات در تحلیل شبکه اجتماعی، بسته به جایگاه یک شهر، با توجه به اتصالات و وابستگی‌های ارتباطی آن، توزیع قدرت و مرکزیت در میان شهرهای داخل شبکه معنا پیدا می‌کند و شهری که از بهره‌های اطلاعاتی و کنترل بیشتری برخوردار باشد، از قدرت و مرکزیت بیشتر و جایگاه بالاتری در سلسله‌مراتب شهری برخوردار می‌شود.^{۴۱} قدرت در اصل در تقابل شهرهای درون ارتباطات به نسبت شهرت، ابزار یا مقدرات تعریف می‌شود که به سبب مقاومت، ملزومات جدید و ارزش‌های اجتماعی جدید و ... آشکار می‌گردد. به عبارتی شهر برگزیده، اتصال چاله ساختاری را با ایجاد شبکه‌های فراملی و یا فرامنطقه‌ای برقرار می‌کند، یا در جریان جهانی شدن به نقش ویژه‌ای دست می‌یابد؛ تناقض قدرت آشکار می‌شود و شهر به جایگاه بالاتر و قدرت بیشتری در یک ساختار دست می‌یابد.^{۴۲}

در این میان، این سوال مطرح می‌شود که آیا خاورمیانه دارای چنین چاله‌های ساختاری در عصر جهانی شدن می‌باشد یا نه؟ در پاسخ به چنین سوالی می‌بایست بیان کرد که در گستره جهانی شدن، شهرهایی که این ارتباط را برقرار کرده‌اند به مرکزیت و قدرت بیشتری در نتیجه بهره‌های اطلاعاتی و کنترلی که نصیبشان شده دست می‌یابند، و به صورت کانالی برای انتقال جریان مادی و غیرمادی در شهر- سیستم خاورمیانه عمل می‌کنند. بنابراین در صورتی که شهرهایی از چنین نظام رقابتی تبعیت نکنند، نقش خود را به شهرهای رقیب در جهت تبدیل شدن به واسطه‌هایی برای ایجاد ارتباط با جریان اطلاعات جهانی می‌دهند و شهرهایی که این خلا را پر کنند، می‌توانند در اندک زمانی به جایگاه بالاتری در سیستم- شهری خاورمیانه

دست یابند، میزان بیشتری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب کنند، با بازارهای سرمایه و تجارت در ارتباط پیوسته قرار گیرند و به شاخص‌های بالاتری در زمینه پخش ماهواره‌ای و اینترنت دست یابند و سرانجام به میزان هم‌گرایی و پیوند بیشتری با نظام جهانی دست یابند.^{۴۳}

همین امر به‌عنوان انگیزه‌ای می‌شود که شهری همانند دبی در مدت کوتاهی افزایش مرکزیتی را در حوزه‌های تخصصی ویژه‌ای به سبب برقراری ارتباطات وسیع در تجارت جهانی و ادغام در بازار آزاد جهانی در شهر- سیستم خاورمیانه به‌دست آورد و با بهره‌بردن از مزیت‌های بهره‌های اطلاعاتی و بهره‌های کنترل، از قدرت و نقش مرکزیت ویژه‌ای- که تا پیش از این نداشت- در مدت کوتاهی در سلسله مراتب شهری خاورمیانه برخوردار شود. دبی با پذیرش بی‌قید و شرط جهانی شدن و بیان اینکه جهانی شدن یک واقعیت است، در نتیجه عدم مقابله با آن و همراهی با سیاست‌های اقتصادی جهانی پذیرای روند جهانی شدن شده است. در نتیجه، دبی با گشایش راه‌ها و مسیرهای خود به جهان خارج، با بازگشایی کار با آزادی کامل، با پذیرش فضای اقتصاد جهانی به‌عنوان فضایی که به ذهن‌های خلاق قدرت می‌دهد و با ایجاد مشاغل جدید با سرمایه کم، وارد بازار آزاد جهانی شده و سعی در پذیرش قواعد فضای جهانی کرده است؛ فضایی که در آن سرمایه، مواد خام و فاصله مساله نیست، بلکه استعداد، قوه ادراک و خوش قریحه بودن، ایده‌ها و مهندسی نرم افزار در راس قرار می‌گیرند.^{۴۴}

در این میان شهرهای دیگر خاورمیانه (به‌رغم تلاش بعضی از کشورهای منطقه در انطباق خود با جهانی شدن همچون بحرین، اردن و ترکیه)، رغبت چندانی در انطباق خود با آن نمی‌بینند. به علت شکافی که در این حوزه به خاطر عدم اطمینان از فرایندهای جهانی در شهر- سیستم خاورمیانه وجود دارد، این فرایندها می‌توانند از یک سو موجب کاهش میزان کنترل آنها و حتی از دست رفتن آن و از سوی دیگر، موجب کاهش کمک‌های مالی عمومی شوند؛ این امر به معنای گشایش بازارهای داخلی برای رقابت با خارجیانی است که از لحاظ امکانات و ابزار، سرمایه و قدرت بازاریابی از تولیدکنندگان داخلی بهتر هستند؛ همان‌طور که کالاهای وارد شده از اروپا در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ صنایع نساجی این منطقه را از بین برد. موج جدیدی از رقابت می‌تواند سال‌ها توسعه دولت‌های حاکم مستقل سرمایه‌دار منطقه را از بین ببرد.^{۴۵} به‌طور کلی

عوامل اقتصاد سیاسی در شهر- سیستم خاورمیانه به معنای ماهیت دولت‌های منطقه، و به‌خصوص ماهیت طبقاتی آن و شکل و نحوه ارتباطش با گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و اینکه این ماهیت چگونه بر تصمیم‌های آنها تاثیر می‌گذارد و همچنین چگونگی شکل‌گیری و اتخاذ تصمیم‌های عمومی که به تخصیص منابع درون جوامع منجر می‌شود و تاثیرات سیاسی احتمالی ناشی از این تصمیم‌ها^{۴۶} سبب می‌شود که حرکت به سمت فرایندهای جهانی با کندی، بدبینی و حتی مقاومت در مقابل آن باشد؛ درون‌گرایی و عدم اطمینان در رابطه با گشایش درها به جهان خارج و عدم اطمینان به فرایندهای جهانی به دلیل نگرانی‌های امنیتی و سیاسی و استعماری موجود در شهر- سیستم‌های درون منطقه در نهایت سبب می‌شود که دبی به‌عنوان یک واسطه در طول مدت کمی مطرح می‌شود و شهر- سیستم خاورمیانه به‌راحتی نقش دبی و افزایش قدرت آن را به‌عنوان یک بازیگر واسطه بپذیرد و خود از مسابقه اقتصاد جهانی عقب بماند.^(۱)

در نتیجه در عصر اطلاعات، شبکه شهری خاورمیانه با اتصال کم به شبکه جهانی اطلاعات مواجه می‌شود و به صورت سیاه‌چاله‌هایی بر روی حوزه پیوسته جهانی عمل می‌کند؛ چاله ساختاری در این حوزه با جهان خارج و شهر- سیستم‌های دیگر به‌وجود می‌آید، شهرهایی (واسطه‌هایی) در جهت بهره‌مندی از بهره‌های اطلاعاتی و بهره‌های کنترل که سبب جدایی شهرهای ناحیه از روندهای جهانی شدن گردیده، برای پر کردن این شکاف‌ها به رقابت می‌پردازند تا در ناحیه از نقش مهم‌تری برخوردار شوند و به بهبود مرکزیت آنها در ناحیه منجر شود. در این میان بازیگران قدرتمند داخل شبکه به علت نگرانی‌های خود، نسبت به این فرایند رغبت نشان نمی‌دهند. شهرها و بازیگران جدیدی در منطقه شکل می‌گیرند که نقش فرانااحیه‌ای پیدا می‌کنند و ساخت قدرت شهر- سیستم‌های درون منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهند و جریان سرمایه و اطلاعات را به سوی خود جذب می‌کنند.

بنابراین، سوال اساسی در بررسی چاله‌های ساختاری شهری از منظر تحلیل شبکه در خاورمیانه،

۱. بر اساس گزارش ۲۰۰۵ شاخص آزادی اقتصادی موسسه هریتیج، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تنها منطقه‌ای از جهان بود که کاهشی را در آزادی‌های اقتصادی تجربه کرد. کشورهایی که کمترین آزادی اقتصادی را داشتند به ترتیب ایران، سوریه و لیبی بودند و بحرین، اسرائیل غاصب و امارات متحده عربی به نظر می‌رسد که بیشترین میزان آزادی اقتصادی را دارند.

می‌تواند این باشد که به‌دلیل روندهای جهانی عصر اطلاعات و تجارت آزاد، چاله‌های ساختاری موجود در شهر- سیستم خاورمیانه توسط چه نوع شهرهای پر می‌شود؟

- نتیجه‌گیری

در عصر جهانی‌شدن، درهم فشردگی زمان و مکان سبب ایجاد ابهام در مقیاس و حیطه عمل شده است و نقش مکان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. در این میان، تحلیل شبکه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان راهکاری در نظر گرفته شود که ناحیه‌های شهری را درون فضایی از جریان‌ات بررسی می‌کند و خوشه‌های ناحیه‌ای را شکل می‌دهد؛ شهر- سیستم‌هایی که تصور شیء مانند از آنها به‌خاطر دو ویژگی الگوهای پایدار وضعیت رابطه‌ای و خصوصیات ساختاری ویژه آنها موجه و قابل طرح می‌باشد. در نتیجه، در تحلیل شبکه هنگامی که ما از خاورمیانه به‌عنوان یک ناحیه صحبت می‌کنیم، روندها و الگوهای دیرپای روابط و خصوصیات ساختاری ویژه آن اعم از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ...، در شناخت آن به‌عنوان یک ناحیه نقش اساسی را به‌عهده می‌گیرند؛ مجموعه مشابهی از شهرهایی که تعاملات و برخوردهای آنها در شبکه‌ای پایدار، سبب شکل‌گیری مفاهیم چاله‌های ساختاری و سیاه‌چاله‌های شهری در طول زمان در این ناحیه شده است.

سیاه‌چاله‌های شهری را می‌توان گره‌های شهری دانست که به‌سبب اندازه، موقعیت، یا باور مرسوم وجود دارند، تا اینکه شهر جهانی باشند، اما در حقیقت هیچ‌کدام در سیستم شبکه شهری جهانی وجود ندارند. آنها همانند سیاه‌چاله‌هایی بر روی حوزه پیوسته جهانی هستند که به لحاظ اجتماعی - فرهنگی هیچ ارتباطی با جریان اصلی جامعه (جهانی) ندارند. در واقع، سیاه‌چاله‌های شهری بیانگر نوعی فرایند حذف اجتماعی هستند که می‌توانند هم به‌علل فقر، سقوط سیاسی و اقتصادی، محرومیت و هم در نتیجه پایداری در برابر روندهای جهانی ایجاد شوند. این امر تحلیل آن مسیرهای حاشیه‌نشینی را از منظر تحلیل شبکه در عصر اطلاعات مشخص می‌کند. این سیاه‌چاله‌های شهری در شهر- سیستم خاورمیانه سبب ایجاد شکاف‌هایی بین ارتباطات مورد نیاز در ساختار شهر- سیستم خاورمیانه می‌شود؛ آنچه در تحلیل شبکه به‌عنوان چاله‌های ساختاری

نامیده می‌شود. در واقع، این چاله‌های ساختاری به‌علت درون‌گرایی و عدم اطمینان در رابطه با گشایش درها به جهان خارج و عدم اطمینان به فرایندهای جهانی به‌دلیل نگرانی‌های امنیتی و سیاسی- اقتصادی و استعماری موجود در شهر سیستم‌های درون منطقه به‌وجود آمده است. این امر سبب می‌شود که شهرهایی به جهت به‌دست آوردن مرکزیت و قدرت بیشتر در شبکه و بهره‌مندی از بهره‌های اطلاعاتی و بهره کنترل سعی در پر کردن این شکاف کنند تا از قدرت و مرکزیت بیشتری برخوردار شوند.

در نهایت، این امر سبب تقسیم قدرت دوباره‌ای در میان شهرها درون شهر- سیستم می‌شود و افزایش مرکزیتی را برای شهرهای ویژه‌ای به همراه می‌آورد. بنابراین، سیاه‌چاله‌ها و چاله‌های ساختاری شهری موجود در شهر- سیستم خاورمیانه در تحلیل شبکه اجتماعی دو امر را مورد توجه قرار داد: ۱. چگونگی ایجاد بدنه ساختاری شهری بهتر در میان توسعه اقتصادی و سیاسی در قرن ۲۱؛ و ۲. چاله‌های ساختاری موجود به‌خاطر روندهای جهانی عصر اطلاعات و تجارت آزاد در شهر- سیستم خاورمیانه توسط چه نوع شهرهای پر می‌شود؟

پاورقی‌ها:

۱. سعید رضا عاملی، «تکنولوژی هم‌زمان ارتباطات دو فضایی شدن فرهنگ، نامه سیاست علم و فناوری»، فصلنامه علمی پژوهشکده شهید رضایی دانشگاه صنعتی شریف، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۵، صص ۵۴-۳۸.
2. B. S. Suresh, "Globalization & Urban Environmental Issues And Challenges," *Proceedings of the Third International Conference on Environment and Health*, Chennai, India, 15-17 December 2003, Chennai: Department of Geography, University of Madras and Faculty of Environmental Studies, York University, pp. 557-561.
3. Jorge Wilhelm, at: www.unesco.org/courier/1999.
4. B. S. Suresh, op.cit., pp. 557.
۵. ناصر فکوهی، انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۶. همان، ص ۳۲۸.
7. Bruce Stanley, *Middle East City Networks and the New Urbanism, Cities*, vol. 22, Issue. 3, 2005, pp. 189-199.
۸. جعفر جوان و عبدالله عبداللهی، «ارتباطات جهان‌گستر و تمدن اطلاعاتی (تاملی درون متنی در بازتابندگی‌های فضایی)»، *مجله جغرافیا و توسعه*، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۲-۱۵.
9. Bruce Stanley, op.cit., p. 191.
10. Evelien Otte, "Social Network Analysis: a Powerful Strategy, also for the Information Sciences," *Journal of Information Science*, vol. 28, no. 6, 2002, pp. 441-453, at: <http://jis.sagepub.com/cgi/content/refs/28/6/441>
11. G. James Anderson, *Evaluation in Health Informatics: Social Network Analysis Computers in Biology and Medicine*, vol. 32, Issue 3, 2002, pp. 179-193.
12. M. Noel Tichy & Michael Tushman & Charles Fombrun, *Social Network Analysis for Organizations, The Academy of Management Review*, vol. 4, no. 4, 1979, pp. 507-519.
13. Lin Freeman, 2002, at: http://www.heinz.cmu.edu/project/INSNA/na_inf.html
14. Vlooten, 2004, at: <http://sciencecareers.sciencemag.org>
15. A. Martínez, Y. Dimitriadis, B. Rubia, E. Gómez & P. Fuente, "Combining Qualitative Evaluation and Social Network Analysis for the Study of Classroom Social Interactions," *Journal of Information Science*, vol. 28, no. 6, 2003, pp. 441-453.
16. Bruce Stanley, op.cit., p. 191.
17. S. Wasserman & K. Faust, *Social Network Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press, 1994.
۱۸. راب استونر، متفکران بزرگ جامعه شناسی، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
19. S. Wasserman & K. Faust, op.cit., p. 44.
۲۰. راب استونر، پیشین، ص ۴۲۶.
۲۱. رونالد رابرتسون، جهانی شدن تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه: کمال پولادی، تهران: انتشارات ثالث با

همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۲.

22. B. S. Suresh, op.cit., p. 194.

۲۳. حمید احمدی، «خاورمیانه و نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۳، ۱۳۸۸، صص ۱۹-۳۶.

۲۴. مرتضی شجاع، «پویای قدرت در خاورمیانه در آغاز سده بیست و یکم»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۳۶-۲۳۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، صص ۳۲-۴۷.

۲۵. محمد اخباری و محمد هادی ایازی، «وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیکی هزاره سوم»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره سوم، ۱۳۸۶، صص ۳۵-۵۴.

۲۶. همان، ص ۴۶.

27. Bruce Stanley, op.cit.

28. Ibid., p. 199.

۲۹. رونالد رابرتسون، پیشین، ص ۳۵۶.

۳۰. مرتضی شجاع، پیشین، ص ۳۸.

31. Bruce Stanley, op.cit., p. 197.

32. Ibid., p. 195.

33. Ibid.

34. Ibid., p. 190.

۳۵. سنا اکن، دیوید آروبالینو و جرج شیبر، الهام میرتهمی، گروه مترجمان، «در آرزوی زندگی بهتر»، *اقتصاد خاورمیانه* در آستانه تغییر، تهران: انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰.

۳۶. مرادعلی صدوقی، «چشم‌انداز جهانی شدن در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱.

37. Bruce Stanley, op.cit., p. 196.

38. S. Wasserman & K. Faust, op.cit., p. 67.

39. G. Walker, B. Kogut, W. Shan, 1997. "Social Capital, Structural Holes & the Formation of an Industry Network," *Organization Science*, 8, 1997, pp. 109-125.

40. Ronald Burt, "The Network Structure of Social Capital," Chicago, in *Research Organizational Behavior*, CT: JAI Press, 2000, pp. 345-423.

41. Ronald Burt, *Structural Holes*, Harvard University Press, 1992.

42. Bruce Stanley, op.cit., p. 196.

۴۳. مرادعلی صدوقی، پیشین، ص ۱۰۳.

44. Anoushiravan Ehteshami, *Globalization and Geopolitics in the Middle East* Routledge, London AND New York, 2007, p. 30.

45. Ibid., p. 112.

۴۶. امیرمحمد حاجی یوسفی، «شناخت منطقه خاورمیانه در قالب مبانی نظری»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، بهار ۱۳۷۷، شماره ۱۳، صص ۵۳-۶۴.